

## بررسی ساخت هجا در گویش مشهدی بر اساس نظریه‌ی همخوان-واکه

سعیده شجاع رضوی، استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

صص: ۳۱۷-۳۴۳

### چکیده

بررسی ساخت هجا در شناخت واجی یک گویش از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. پژوهش حاضر در قالب طرحی میدانی به بررسی ساخت هجایی گویش مشهدی پرداخته و بر اساس نظریه‌ی همخوان-واکه به شیوه‌ی واج آرایشی همخوان‌ها و همچنین تاثیر واکه‌ی هسته‌ی هجا در انتخاب خوشه‌های همخوانی می‌پردازد. داده‌های زبانی این پژوهش حاصل مصاحبه با ده گویشور مشهدی شامل زن و مرد بین سنین ۶۰ تا ۸۰ سال و کم سواد است. پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن آرایه‌ی تفاوت‌های آوایی و ساخت واژی به این مهم بپردازد که گونه‌ی مورد بررسی گویش است نه لهجه. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که عنصر هجایی در گویش مشهدی هسته است که قبل از آن حداکثر دو همخوان و بعد از آن نیز حداکثر دو همخوان می‌توانند قرار گیرند. طی این بررسی مشاهده شد که تمایل گویش مشهدی بیشتر بر هجاهای کوتاه است به‌صورتی که در اغلب موارد در مقایسه با فارسی معیار درج واکه یا فرایند واج افزایشی را شاهد می‌باشیم. واژه‌هایی مانند: بزرگ / βoζop، ترش / toro، سطل / σ τελ/ نشانگر این فرایند می‌باشد. فرایند واج افزایشی در این گویش به چهار دسته تقسیم می‌شود که در این پژوهش به تفصیل به آن پرداخته شد.

کلیدواژه: گویش مشهدی، ساخت هجا، نظریه‌ی همخوان واکه، فرایند واج افزایشی

## ۱- مقدمه

گویش مشهدی یکی از گویش‌های فارسی دری است که بسیاری از واژه‌های کهن فارسی و ساختار زبانی آن هنوز در این گویش مشاهده می‌شود و یادآور سخن بزرگانی چون رودکی، فردوسی، عطار و خیام است. از آنجایی که فراموشی گویش‌ها و لهجه‌های قومی در جای جای ایران مشاهده می‌شود و جوانان کمتر راغب به استفاده از گویش‌های محلی می‌باشند و شهر مشهد نیز از آن مستثنی نیست، که لزوم بررسی هر چه دقیق‌تری را در این زمینه می‌طلبد.

گویش مشهدی دارای تنوع بسیاری است به این معنا که در هر گوشه‌ای از این شهر با گونه‌ی خاصی از گویش مشهدی مواجه می‌شویم زیرا افرادی از شهرستان‌های اطراف که گویششان به این گویش بسیار نزدیک است، در جای جای مشهد زندگی می‌کنند و خود را نیز مشهدی می‌دانند. علاوه بر آن به دلیل زیارتی بودن این شهر، گویشوان مختلف از شهرها و روستاهای غیر همجوار در آن زندگی می‌کنند و جالب اینجاست که آنان نیز بعد از سال‌ها زندگی در مشهد لهجه‌ای مشهدی با واژگانی از شهر خود دارند که نام آن را نیز مشهدی می‌گذارند! بر این اساس، پیدا کردن گویش مشهدی و گویشور مشهدی در این شهر بسیار دشوار است اما از آنجایی که نگارنده گویشور بومی است، در تکمیل پرسشنامه‌ها افرادی را انتخاب نمود که مشهدی اصیل می‌باشند و چندین نسل در مشهد زندگی کرده‌اند. موضوع دیگر این که در بین همین گویشوران صره‌ی مشهدی نیز تفاوت‌هایی آوایی و واژگانی وجود دارد که به دلیل وسعت شهر مشهد و مراودات زبانی با گویشوان دیگر طبیعی می‌نماید. به عنوان مثال مشهدی افرادی که در اطراف حرم مطهر زندگی می‌کنند با مشهدی کسانی که در محله‌ی نوغان هستند و یا کسانی که در محله‌ی کوهسنگی و احمد آباداند بسیار متفاوت است. به همین دلیل سعی شد چهار منطقه‌ی اصلی شمال، جنوب، شرق و غرب مشهد تفکیک شود و از هر منطقه افراد مشهدی اصیل انتخاب شوند و تفاوت‌های آوایی و واژگانی هر کدام ضبط و پیاده سازی شود. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی صورت گرفته است. در گردآوری داده‌ها سه عامل شمّ زبانی پژوهشگر، مصاحبه با گویشوران و منابع مکتوب موجود در این زمینه مورد استفاده قرار گرفت. پیکره‌ی زبانی گویش مورد پژوهش، واژه‌نامه‌ی گویشی است که پژوهشگر آنرا بر اساس شناخت خود از گویش مشهدی تهیه کرده است و گویشوران به آن پاسخ گفته‌اند و گفتار آنان به صورت ضبط شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. علاوه بر

آن گفتار آزاد نیز به صورت نقل داستان یا شعر به گویش مشهدی گردآوری شد که از کلمات و ساختار آن در پژوهش حاضر استفاده گردید.

**در خصوص تفاوت گویش، لهجه و زبان زبانشناسان مطرح کردند: گویش شامل** گونه‌هایی از زبان است که تفاوت‌های آوایی، واژگانی و ساختاری با دیگر گونه‌ها دارد و فهم آن برای گویشوران آن زبان مشکل است و گاه نیاز به آموزش رسمی دارد ولی در هر صورت از آن زبان مشتق شده است (صادقی، ۱۳۴۹: ۷۵)، (مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۹) و (دبیر مقدم، ۱۳۸۷: ۱۰۳). «لهجه» به گونه‌هایی از زبان اشاره دارد که تفاوت‌های آوایی و واژگانی دارند ولی از لحاظ ساختار زبانی متفاوت نیستند. برخلاف گویش سخنگویان دو لهجه با تفاوت‌های تلفظی بدون نیاز به آموزش سخن یکدیگر را می‌فهمند (باطنی، ۱۳۵۴: ۱۸). زبان به دو گونه‌ی زبانی که دارای شکل یکسان نبوده صورت‌های گفتاری و نوشتاری متفاوت دارند و سخنگویان آنها درک متقابل از گفتار یکدیگر ندارند اطلاق می‌شود. به عنوان مثال کردی و بلوچی در ایران (دبیر مقدم، ۱۳۸۷)، (مدرسی، ۱۳۶۸). گونه اصطلاحی خنثی است که به عنوان مفهومی کلی برای انواع گویش، لهجه و زبان به کار می‌رود (دبیر مقدم، ۱۳۸۷). در برخی از پژوهش‌های انجام شده بر روی گونه‌ی مشهدی پژوهشگران از اصطلاح لهجه استفاده کرده‌اند و آن را لهجه دانسته‌اند مانند بینش (۱۳۳۹)، حبیب الهی، م (۱۳۴۷)، میرخدیوی (۱۳۶۳)، وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) (از اصطلاح فارسی مشهدی استفاده کرده است). ناظران پور (۱۳۸۶)، مشکوه الدینی (۱۳۸۷)، حیدری پور، م (۱۳۸۸). برخی دیگر از پژوهشگران اصطلاح گویش را برای گونه‌ی مشهدی به کار برده‌اند مانند: ظفر محبوب، ز (۱۳۴۱)، اکبری شالچی (۱۳۷۰)، وحیدیان کامیار، ت (۱۳۸۴)، زارعی، م (۱۳۸۵)، خزایی، الف (۱۳۸۸)، حسینی، ز (۱۳۸۸) پهلوان نژاد، م. ر (۱۳۸۹)، فیروزیان، آ (۱۳۸۹)، نجاتیان، ح (۱۳۹۰). شهریاری راد (۱۳۹۴).

اگر بخواهیم گونه مشهدی امروز که در بین مردم رایج است را در تقسیم بندی لهجه و گویش بر اساس تعاریف فوق قرار دهیم، می‌بایست اصطلاح لهجه را به کار ببریم زیرا با تفاوت واژگانی و آوایی اندکی مواجه می‌شویم که حتی کاربران سعی در پنهان کردن و تصحیح آن دارند و اغلب در پی معادل یابی و جایگزینی فارسی معیار با آن می‌باشند. اما آن مشهدی که نگارنده سعی در حفظ و ثبت آن داشته است و در بین مشهدی‌های اصیل و آنان که سعی در تغییر لهجه خود ندارند مشاهده می‌شود، حاکی از گویشی دارای نظام آوایی،

ساخت واژگی و نحوی خاص خود است که طبق تعاریف زبان‌شناسان می‌توان آن را گویش نامید که بخش‌هایی از تفاوت‌های نظام آوایی و ساخت واژگی آن در پژوهش حاضر مشاهده خواهد شد. طبق تعریف گویش، اگر گویشور مشهدی به گویش اصیل خود صحبت کند تفهیم و تفاهم با گویشور فارسی معیار صورت نمی‌گیرد.

## ۲- پیشینه پژوهش:

بینش (۱۳۳۹) با پژوهشی با عنوان « چند اصطلاح هواشناسی در لهجه‌ی مشهدی » به توصیف برخی واژه‌های مشهدی پرداخته است. ظفر محبوب (۱۳۴۱) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان « گویش مشهدی » به توصیف ساخت واژگی و نحوی گویش<sup>۱</sup> مشهدی پرداخته است. ادیب طوسی (۱۳۴۱) در کتاب خود با عنوان « لغات نوقانی (مشهدی) » به گردآوری لغات قدیمی مردم محله‌ی نوقان مشهد پرداخته است. حبیب الهی با پژوهشی با عنوان « کیفیت و بررسی فعل در لهجه‌ی مشهدی » (۱۳۴۷) به بررسی افعال گویش مشهدی پرداخته است. مشکوه‌الدینی در پژوهشی با عنوان « رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌های محلی زبان فارسی » (۱۳۸۷) به تفاوت‌های آوایی گویش محلی و فارسی معیار پرداخته است. در بخشی از این پژوهش از مثال‌هایی مشهدی برای توصیف گویش محلی استفاده شده است. میرخدیوی (۱۳۶۳) در اثرش به نام « اشعار مشهدی » تعدادی از اشعار خود، به گویش مشهدی و لطایف نظم و نثر آورده است که همگی اثر خود او است و در بین مشهدی‌های اصیل این کتاب بسیار پر طرفدار است به طوری که اکثراً در خانه دارند و در محافل می‌خوانند. اکبری شالچی (۱۳۷۰) در اثرش با عنوان « فرهنگ گویش خراسان »، و حیدیان کامیار (۱۳۸۳) در مقاله‌ی خود با عنوان « گویش مشهدی » و دیگر مقاله‌اش در سال (۱۳۸۴) با عنوان « بررسی کوتاه ویژگی‌های فارسی مشهدی » به بررسی زبان‌شناسانه‌ی گویش مشهدی پرداخته است. زارعی (۱۳۸۵) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان « بررسی جامعه‌شناختی گوناگونی گویش مشهدی » بر اساس متغیرهای سن، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت به شاخصه‌های جامعه‌شناختی زبان پرداخته است. ناظران پور (۱۳۸۶) در اثرش با نام « برخی از آداب و رسوم مشهد قدیم به لهجه‌ی شیرین مشهدی » سعی در استفاده از لغات و

۱. پژوهش حاضر بر گویش بودن این گونه‌ی زبانی تاکید دارد به دلیل تفاوت‌های آوایی، ساخت واژگی اشاره شده در بحث اما در نقل قول‌های آمده آنچه نویسنده‌های ذکر شده گفته‌اند با رعایت امانت داری آورده شد.

اصطلاحات مشهدی دارد و آداب و رسوم قدیم مشهد را نیز بازگو کرده است. داورپناه (۱۳۸۷) در مقاله‌ی «بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد» به بررسی جامعه‌شناسی زبان در این شهر پرداخته است. مشکوه‌الدینی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌های محلی زبان فارسی» از مثال‌های مشهدی برای توصیف زبان محلی استفاده کرده است، حیدری پور (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «فرایند مرگ لهجه‌ی مشهدی: عوامل و روش‌های جلوگیری از آن» به تاثیرات فارسی معیار و کم‌کاربردی گویش مشهدی در بین گویشوران پرداخته است. خزایی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و توصیف آوایی افعال در گویش مشهدی» به نظام آوایی گویش مشهدی در افعال پرداخته است. حسینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی» به بررسی ساختار متفاوت واژگانی گویش مشهدی پرداخته است. پهلوان نژاد (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «بررسی و توصیف واژگانی در گویش مشهدی» و در سال (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی» به بررسی این گویش پرداخته است. در سال (۱۳۹۰) ایشان و نجاتیان نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و توصیف نظام آوایی گویش مشهدی» به بررسی محله‌ی نونان مشهد پرداخته‌اند. پیکره‌ی زبانی این پژوهش بر اساس پرسشنامه‌ی ویژه‌ی گردآوری گویش‌ها از ایران کلباسی است، داده‌های زبانی آوانویسی کلی شده و از لحاظ آوایی، واژگانی و دستوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. فیروزیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج‌شناسی خود واحد» به بررسی نظام آوایی گویش مشهدی پرداخته است. نجاتیان (۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان «بررسی و توصیف گویش مشهدی» به بررسی نظام آوایی و ساخت واژگی گویش مشهدی پرداخته است. حسینی معصوم و حسینی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فرایندهای واجی در گفتار کاربران لهجه‌ی مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار» به بررسی جامعه‌شناسی گویش مشهدی پرداخته‌اند. پیش‌قدم، شریفی و عطاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی» به بررسی مقایسه‌ای گویش مشهدی و زبان انگلیسی به همراه بررسی تاثیر متغیرهایی از قبیل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی بر میزان استفاده از فعل رفتن پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که استفاده از فعل رفتن به معنای شدن در این گویش تحت تاثیر متغیرهای

سن، جنس، سطح تحصیلات و طبقه‌ی اجتماعی است و کاربرد این فعل در گویش مشهدی و زبان انگلیسی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی می‌باشد. شهریارى راد (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان « بررسی گویش مشهدی» به دگرگونی‌های آوایی در گویش مشهدی پرداخته است. در بخشی به طور مختصر دستور زبان را بررسی کرده و در بخش دیگر کتاب ضرب المثل‌ها، اشعار و ترانه‌های این گویش آورده شده است. در انتهای کتاب، تعدادی واژه از گویش مشهدی نیز آمده است. در سال (۱۳۹۶) نیز در کتابی با عنوان « ریشه شناسی ۶۵ واژه در گویش مشهدی» به خانواده‌های زبانی پرداخته است و دگرگونی‌های واجی ایران باستان در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو را بررسی کرده است. معادل‌های کردی، سکایی، یغناپی، سغدی و ... واژه‌های مشهدی را آورده است.

### ۳- چارچوب نظری

#### ۳-۱- نظریه‌ی همخوان-واکه

کلمنتس و کایزر<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) اثری به نام واج‌شناسی همخوان-واکه منتشر کردند. آنها لایه‌ی همخوان واکه را به عنوان یکی از مولفه‌های بازنمایی هجا معرفی کردند و عنوان ساختند که لایه‌ی همخوان-واکه از لایه‌های تحلیل ساختواژی است. این لایه در ساختار نقش‌مند هجا نیز کاربرد دارد (به نقل از کرد زعفرانلو (۱۳۹۰:۱۱۲)). برای توصیف نظریه‌ی همخوان-واکه توصیف هجا ضروری می‌نماید.

#### ۳-۲- هجا:

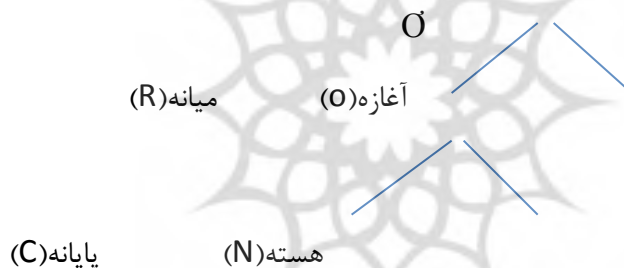
در ارتباط با تعریف و ساخت هجا دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. مشکوه‌الدینی (۱۳۸۵) نگره داشتن نفس و مکث را عاملی برای تشخیص هجا معرفی می‌کند و معتقد است بدین طریق، کوتاهترین زنجیره‌ی واحدهای واجی یعنی هجا مشخص می‌شود. همچنین می‌توان گفت هجا یک واحد آوایی مرکب است که از یک یا چند واحد زنجیری و یک یا چند واحد زیرزنجیری تشکیل شده و ضرورتاً یکی از واحدهای زنجیری آن دست کم دارای مختصه‌ی هجایی است.

1. Clements & Keyser

هیز<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) معتقد است اغلب مردم هجاهای سازنده‌ی یک واژه یا قطعه‌ای از گفتار زبان خود را به خوبی تشخیص می‌دهند، چرا که هجا به عنوان یک واقعیت واجی در سطح آگاهی گویشوران بومی هر زبانی قرار دارد.

در میان نظریات متعدد واج شناختی نیز، نظریه‌هایی مثل واج شناسی نوایی یا هموندی<sup>۲</sup> و واج شناسی همخوان - واکه به عنوان نظریه‌های پس‌ازایشی به طور اختصاصی با ساختمان هجا سروکار دارند (کریستال، ۲۰۰۸).

افرادی چون تروپتسکوی<sup>۳</sup> (۱۹۵۸) در مکتب نقش‌گرایی سازه‌های کوچک‌تر از هجا را مطرح کرده‌اند که شامل همخوان و واکه به عنوان یک مجموعه است و به آن آغاز، هسته و پایانه می‌گویند. هر هجا ابتدا به آغاز و میانه تقسیم می‌شود و میانه نیز شامل هسته و پایانه است. وجود هسته در ساختمان هجا ضروری است. در قسمت آغاز ممکن است یک یا بیشتر همخوان باشد. در پایانه‌ی هجا نیز ممکن است همخوان یا واکه جا بگیرد.



هسته‌ی هجا علاوه بر آن که در ساخت واجی نقش دارد در تمایز هجاهای سبک و سنگین نیز موثر است. منظور از هجای سبک هجایی است که به یک واکه‌ی کوتاه (a,e,o) ختم می‌شود و هجای سنگین به هجایی اطلاق می‌شود که به یک واکه‌ی کشیده (ā,u,i) یک واکه‌ی مرکب و یا یک واکه‌ی کوتاه و همخوان ختم شود (به نقل از کرد زعفرانلو، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

کرد زعفرانلو (همان) برای اهمیت بررسی هجا سه دلیل مطرح می‌سازد. الف: بررسی واج آرایبی به وسیله‌ی بررسی ساخت هجا. وی بیان می‌دارد که محدودیت‌های واج‌آرایبی به اصولی اشاره دارد که واج‌های یک زبان بر اساس آنها کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. به عنوان مثال در زبان فارسی، در آغاز هجا نه خوشه‌ی همخوانی قرار می‌گیرد و نه واکه که این مساله در

1. B. Hayez

2. Prosodic phonology

3. Trubetskoy

ساخت هجا مشاهده می‌شود. ب: فرایندهایی مانند فرایند درج که باعث تقطیع هجا می‌شود با توجه به ساختمان هجا قابل بررسی است. ج: فرایندهای واجی در سطح هجا یا بخشی از آن رخ می‌دهد. از آنجایی که هجا دارای بخش‌های کوچک‌تری است، بازنمایی‌های مختلفی می‌توان برای آن قایل شد. در نظریه‌ی همخوان-واکه، درخت هجا از سه لایه تشکیل می‌شود که عبارت است از: لایه‌ی هجا، لایه‌ی همخوان-واکه<sup>۱</sup> و لایه‌ی واجی. این لایه‌ها ویژگی‌های صوری نظام جزء مستقل را دارا هستند و با استفاده از خطوط پیوندی به یکدیگر مرتبط می‌شوند (کلمنتس و کایزر، ۱۹۸۳). لایه‌ی همخوان-واکه بیانگر کمیت واج و لایه‌ی واجی بیانگر کیفیت واج است. لایه‌ی مبنا جایگاه‌های زمان‌بندی را به دیرش زمانی یک واج مرتبط نشان می‌دهد. ضرورت لایه‌ی مبنا را می‌توان در تمایز واکه‌های کوتاه و کشیده و برخی واج‌ها مانند سایشی‌ها که توالی دو واحد واجی هستند، نشان داد. هر یک از لایه‌ها در این نظریه اصطلاح خاص خود را دارا است. لایه‌ی نخست یا لایه‌ی هجا تنها از یک عنصر بانماد (o) تشکیل شده و لایه‌ی دوم یا همان لایه‌ی همخوان-واکه از دو عنصر c و v شکل گرفته و لایه‌ی سوم یا لایه‌ی واجی دارای ماتریس‌های آوایی تک ستونی است که جایگاه همخوان‌ها و واکه‌ها را مشخص می‌سازد. زنجیره‌های خوش ساخت در هر لایه، مجموعه‌ای از اعضا است که برای آن لایه تعریف شده است (کلمنتس و کایزر، ۱۹۸۳: ۲۵). ساخت سلسله مراتبی هجا از نظر هیز (۲۰۰۹) عبارت است از تقطیع هجا به آغاز (o) و قافیه (R). کرد زعفرانلو (۱۳۹۰: ۱۱۲) سه وظیفه‌ی عمده برای نظریه‌ی سه لایه‌ای هجا برمی‌شمارد. الف: باید عبارت‌های خوش ساخت را مشخص کند. ب: باید پارامترهای ساخت هجا در هر زبان را نشان دهد. ج: قواعد هجا سازی و چگونگی ساخت آن‌ها را مشخص کند.

#### ۴- بررسی و توصیف داده‌ها

در این پژوهش میدانی ساخت هجا، محدودیت‌های حاکم بر آن و چگونگی توزیع همخوان‌ها در خوشه‌های همخوانی و تاثیر واکه‌ی هسته‌ی هجا در انتخاب همخوان‌های خوشه‌ی پایانی در گویش مشهدی در چارچوب نظریه‌ی همخوان-واکه<sup>۲</sup> بررسی می‌شود.

۱. به لایه‌ی مبنا معروف شده است. (Halle & Vergnaud) به پیشنهاد ورگنآد و هله



برکوئست<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) به تحلیل واجی مبتنی بر رویکرد نقشی می‌پردازد. وی به منظور تبیین و تشخیص همخوان‌ها و واکه‌های یک زبان، ابتدا تمامی داده‌های گردآوری شده را بررسی می‌نماید و واحدهای آوایی که احتمال واج بودن آن‌ها در گونه‌ی زبانی بیشتر است را شناسایی می‌کند. آواهای ارائه شده در جدول آواهای همخوانی و واکه‌ای ارایه می‌شوند و این تشخیص براساس سه نوع رابطه‌ی تقابلی، توزیع تکمیلی و مدل آزاد به عنوان واج یا واجگونه شناسایی می‌شود.

در پژوهش حاضر نیز در این گویش ۲۱ واج همخوان و ۶ واج واکه بر اساس انگاره‌ی برکوئست (۲۰۰۱) توسط نگارنده شناسایی شده است که عبارت است از:

جدول ۱- آواهای همخوانی و واکه‌ای گویش مشهدی:

$\tau$ - $\rho$ $\delta$ $\delta$ . $\varphi$ $\nu$ $\delta$ h-	واج‌های همخوانی
$\mu$ $\sigma$ $\pi$ $\zeta$ $\kappa$ $\tau$ - $\beta$	
$\iota$ $\upsilon$ A	واج‌های واکه‌ای ساده‌ی بلند
$\varepsilon$ A	واج‌های واکه‌ای ساده‌ی کوتاه
$ou$ - $ei$ -o	واج‌های واکه‌ای مرکب

در این گویش واج (ژ) موجود نیست و به جای آن واج (ج) به کار می‌رود. این واج ارزش واجی در گویش مشهدی ندارد و در مواردی که به کار می‌رود نیز می‌بایست واجگونه‌ای از واج (ج) محسوب گردد و در جفت‌های کمینه تقابلی معنایی ایجاد نمی‌کند. مانند غُزْمَه یا غجمه /  $o$   $\mu$   $o\delta$   $\mu$  / به معنای دانه‌های انگور (وقتی انگور را می‌شویند، تعدادی انگور از خوشه کنده می‌شود که به آن غُزْمَه یا غجمه گویند). خانلری معتقد است در فارسی دری آغازین نیز (ژ) واجگونه‌ای از واج (ج) بوده و بعدها تحت تاثیر زبان‌هایی چون پارسی و سغدی به تدریج واجی مستقل شده است (خانلری، ۱۳۷۳).

همخوان همزه نیز در هجای میانی و انتهایی مشاهده نشد. کلمات عربی نیز در این گویش به همین شیوه تلفظ می‌شوند. مانند قلعه: قله /  $\varepsilon\lambda\varepsilon$  / دهات و روستا. نبودن واج همزه نیز

نشانگر قدمت این گویش است زیرا در نظام همخوانی فارسی دری نیز واج همزه وجود نداشته است. این واج بعدها تحت تاثیر زبان عربی وارد فارسی شد (صادقی: ۱۳۴۹).

در این گویش همخوان (ذ) در مواردی به جای (د) به کار می‌رود. این (ذ) با (ذ) عربی تفاوت دارد. این آوا سایشی و پشت دندانی ضعیف است در حالی که در عربی سایشی میان دندانی قوی تلفظ می‌شود. مثل: این قدر: اقدر / ρ / ɟ { ε / به او: بذو / βoɟu / چه قدر: چقدر / ρ / τ ε / آنقدر: اوقدر / ρ / o / گمبذ / ɟ / omβ / گنبد. (ذ) در فارسی دری واجگونه‌ای از (د) بوده است (صادقی، ۱۳۵۷: ۱۲۶). این همخوان بعد از یک واکه تا سده هفتم رایج بوده بعد از آن به (د) بدل شده است. اما هنوز رد پای آن در گویش مشهدی مشاهده می‌شود (زمردیان: ۱۳۶۸).

ساخت هجای دوهمخوانی آغاز در باهم‌آیی برخی همخوان‌ها مشاهده می‌شود که به تفصیل خواهد آمد. مانند واژه‌های: پلخمون / μuv / πλ / دلنگون / uv / δλ / این ساخت نیز بازمانده‌ی ویژگی‌های زبان فارسی میانه در فارسی دری نخستین است (زمردیان: ۱۳۸۸). (که البته به هجای دو همخوانی آغازین در پژوهش زمردیان اشاره‌ای نشده است).

واکه‌ی مرکب / O / در واژه‌های خارسو / ρ σv / و خارشو v نیز بازمانده‌ی ویژگی‌های زبان فارسی میانه در فارسی دری نخستین است (کلباسی: ۱۳۸۸). اشتو / τ / به معنای چطور، لو / l / به معنای لب، گو / / به معنای گاو.

در این گویش واکه‌ی ساده‌ی t در بعضی موارد حذف و به جای آن واکه‌ی مرکب /εi/ به کار می‌رود. مانند کلمات پریشان و پشیمان که به صورت‌های پریشان uv εi و پشیمان uv εi μuv مشاهده می‌شود.

در برخی مواقع تفاوتی میان چ و ج مشاهده نمی‌شود مانند: کلاج، کلاچ /

λAτ λAδ / به معنای لوچ، چشم چپ.

در این گویش همخوان (ب) نیز در مواردی به جای (و) به کار می‌رود. گاب، گاو

/ Aβ / Aω / به معنای گاو و یا کلمه‌ی گبرگه، گورگه / β ρ / - ρ / سازی

منحصر به نقاره خانه امام رضا (ع) که هنگام طلوع و غروب آفتاب نواخته می‌شود.

## ۴-۱ ساخت هجا

در این بخش به توصیف ساخت هجا و انواع آن، شیوه‌ی واج آرایه همخوان‌ها در آغاز و پایان هجا و چگونگی هسته‌ی هجا در گویش مشهدی پرداخته خواهد شد.

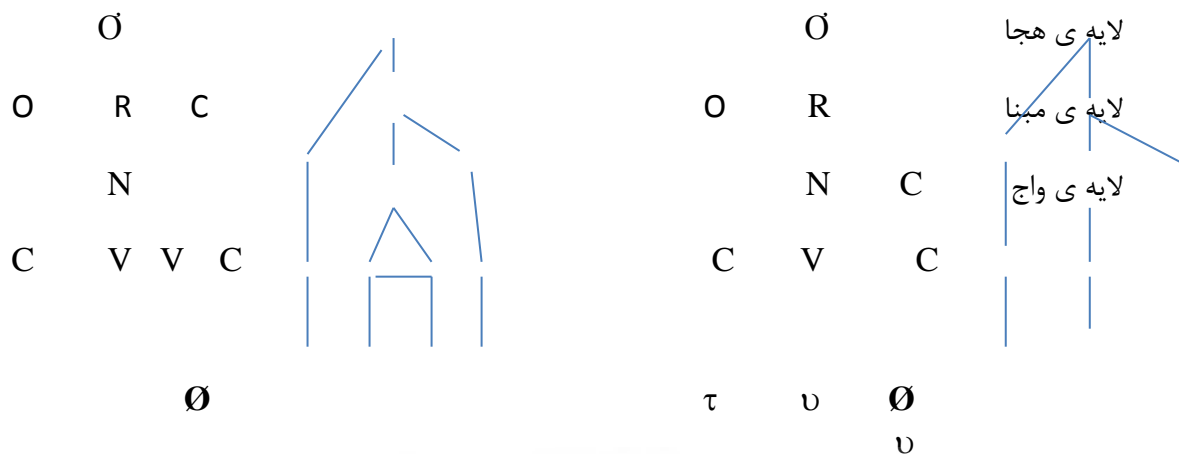
در ساخت هجا، هسته اساسی‌ترین عنصر هجا است که معمولاً به صورت واکه‌ی ساده، واکه‌ی کشیده و یا واکه‌ی مرکب مشاهده می‌شود. در این بررسی به وجود چهار واکه‌ی مرکب قائل هستیم. در فرهنگ کریستال<sup>۱</sup> (2008: ۱۳۹) واکه‌ی مرکب نوعی طبقه‌بندی آوایی واکه‌ها برشمرده شده که بر پایه‌ی شیوه‌ی تولید است. در تعریف وی واکه‌ی مرکب، واکه‌ای است که در حین تولید آن، صرفاً در یک هجا شاهد نوعی تغییر کیفی محسوس باشیم. لاور<sup>۲</sup> (۱۹۹۴: ۲۸۴) نیز مهم‌ترین ویژگی واکه‌ی مرکب را تغییر محسوس تولید آن از یک واکه به واکه‌ی دیگر در خلال تولید در یک هجا می‌داند. جنسن<sup>۳</sup> (۲۰۰۴: ۱۵) واکه‌ی مرکب را توالی دو واکه‌ی مختلف می‌داند که در یک هجای واحد قرار می‌گیرد و معمولاً یکی برجسته‌تر از دیگری است. او هفت واکه‌ی مرکب در انگلیسی قایل است که عبارتند از (i, α, ε, υ). مشکوه‌الدینی (۱۳۸۷) معتقد است که در فارسی کنونی به سبب تغییر زبان بسیاری از واکه‌های مرکب را نداریم. مثلاً صورت آوایی O نقش واجی خاصی داشته که به سبب تغییر زبان، این نقش را از دست داده است و باز به سبب تغییر بیشتر در گفتار امروز به صورت O ظاهر می‌گردد. مسلماً در گویش مشهدی نیز به سبب تغییرات زبانی برخی از واکه‌های مرکب را از دست داده‌ایم و چنانچه در گفتار جوانان بومی مشاهده می‌شود، واکه‌های مرکب رنگ و بوی واکه‌های ساده را به خود گرفته‌اند و به خوبی ادا نمی‌شوند، اما به نسبت فارسی معیار در این گویش واکه‌های مرکب بیشتری مشاهده شد.

در گویش مشهدی می‌توان از طریق حذف یا درج واکه به هسته‌ی هجا به ۶ نوع هجا دست یافت که شرح آن به تفصیل خواهد آمد.

## ۴-۱-۱- ساخت هجای CV:

در این ساخت، هجا متشکل از یک همخوان و یک واکه اعم از واکه‌ی ساده، واکه‌ی کشیده و یا واکه‌ی مرکب می‌باشد.

- 
1. D. Crystal
  2. J. Laver
  3. J.T. Jenson



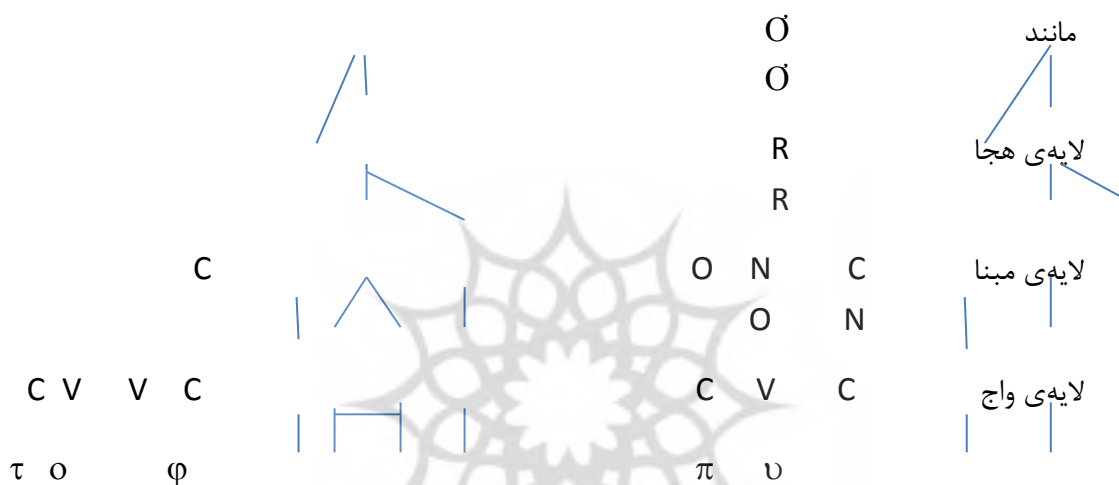
جدول ۲- ساخت هجای CV

هجای CV	واژه ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
-ou	ou	گو	گاو
$\beta$ -i	$\beta i \lambda$	بیله	دفعه، بار
$\beta$ -i	$\beta i \delta$	بیده	یونجه خشک
$\pi$ -A $\varphi$ -E	$\pi A \varphi$	پایه	رعد و برق
$\tau$	$\tau \delta o \beta A \tau i$	تعجباتی	عجیب و غریب، اصطلاحی که برای نشان دادن تعجب به کار می‌رود (تعجباتی که مو نفهمیدم یعنی عجیب بود که نفهمیدم).
$\pi$ -	$\pi v$	پغنه	چرک ضخیم پشت دست یا پا
$\pi$ -u	$\pi u \tau u$	پوچه	کپک مواد غذایی
u	u	او	آب
$\tau - u$	$\tau u \lambda \zeta$	چوله غزک	مترسک

در این جدول برخی از هجاهای (CV) که در کلمات این گویش مشاهده شده بود به عنوان نمونه آورده شد.

### ۲-۱-۴- ساخت هجای CVC:

در این ساخت یک واکه در میان دو همخوان قرار می‌گیرد. این ساخت یکی از پرکاربردترین ساخت‌های هجایی در گویش مشهدی است. در این گویش عموماً هجاهای CVCC فارسی معیار با فرایند واج‌افزایی<sup>۱</sup> شکسته می‌شود و در این ساخت قرار می‌گیرد. در جدول (۴) به این نمونه‌ها پرداخته شد.



### ۳-۱-۴- درج واکه در هجای CVCC

واژه‌هایی که در این گویش با فرایند درج واکه شکسته می‌شود و هجاهای CVCC فارسی معیار را تبدیل به دو هجای CV+ CVC می‌کنند در جدول ذیل آمده است. این فرایند که در طی آن هجای کشیده تبدیل به دو هجای کوتاه می‌شود، در چند ساخت مشاهده شد که عبارتند از:

**الف:** بررسی داده‌ها حاکی از این است که فرایند درج واکه‌های (o,e) در برخی ساخت‌ها دیده می‌شود. اگر هجا دارای ساخت CVCC باشد و همخوان انتهایی خوشه‌ی دو همخوانی پایانه یکی از همخوان‌های (l,r,g,s,z,n,β) باشد، بین دو همخوان انتهایی واکه‌ی e درج

1 Epenthesis

می‌شود مانند: واژه‌ی بزرگ که در ترکیب «آقا بزرگ» به صورت  $\beta\omicron\zeta\omicron\rho$  تلفظ می‌شود و در واقع هجای کشیده‌ی  $\zeta\omicron\rho$  به صورت دو هجای کوتاه  $\zeta\omicron + \rho$  به کار می‌رود.

جدول ۳- ساخت هجای CVC

هجای CVC	واژه ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
$\delta -\omicron-\lambda$	$\beta\omicron\delta \omicron\lambda$	بجل	استخوان مچ پای گوسفند، قاب گوسفند که با آن بازی می‌کردند.
$\beta- -$	$\beta \tau$	بخته	گوسفند نر دو تا سه ساله
-A-	$\beta\omicron A$	براق	زل زده، چشم در چشم، آماده‌ی جنگیدن
$\beta- -\lambda$	$\beta \lambda \omicron\mu$	بلکم	بلکه
$\beta- -\sigma$	$\beta \sigma \iota$	بسکی	بس که
$\beta\sigma\upsilon \tau\tau$	$\beta\upsilon\tau$	بوچ	لپ، گونه
$\beta-\upsilon-\zeta$	$\beta\upsilon\zeta$	بوز	بز
$\beta-\epsilon-\phi$	$\beta\epsilon\phi$	بیغوش	جغد
$\pi-A-\lambda \zeta-\iota-$	$\pi A\lambda\zeta\iota$	پالزیک	پرستو
$\pi-\omicron-$	$\pi\omicron$	پخ	قی چشم
$\pi-\alpha-\rho$	$\pi\beta\rho\eta\iota\beta$	پرهیب	سایه - شبیح
$\pi-\omicron-\sigma$	$\pi\omicron\sigma$	پوس	پوست
$\tau \phi$	$\tau \phi$	چوی	چای
$\pi- -\tau$	$\pi \tau$	پت	موی در هم و شانه نشده
$\pi-\upsilon-$	$\pi\upsilon$	پخ	علف خشک، آدم لاغر
$\tau A \sigma$	$\tau A\sigma$	تاس	کاسه
$\tau-\{\lambda$	$\tau \lambda$	تل	شبیبه، مانند
$\tau-\iota-\lambda$	$\tau\iota\lambda$	تیل	طالبی
$\delta Z \omicron \lambda$	$\delta \omicron\lambda$	جل	لباس کهنه، رو انداز چارپا
$\upsilon$	$\upsilon$	کوش	کفش

ب: نوع دیگری از افزایش یا درج واکه افزوده شدن واکه‌ی 0 در هجاهایی با ساخت CVCC می‌باشد که همخوان انتهایی آن یکی از همخوان‌های (m,b) باشد. مانند چشم که به صورت /τρετομ/ مشاهده می‌شود. البته به دلیل همگونی واکه‌ای استثناهایی نیز مشاهده می‌شود مانند مثال ترش /torov/.

جدول ۴- درج واکه در هجای CVCC

معنای فارسی	فارسی نوشته	واژه‌ی مشهدی	هجای CVC و فرایند واج افزایی
اسب	اسب	σεβ	σ-ε-β
چشم	چشم	τ ε ομ	-o-μ
بزرگ	بزرگ	βοζορ	ρ- -
برگ	بلگ	β λ	λ- -
تلخ	تلخ	τ λε	λ-ε-
صبر	صبر	σ β ρ	β- -ρ
ترش	ترش	toro	r-o-
پتک	پتک	ποτ	τ- -
سطل	سطل	σ τελ	τ ε λ
گفت	گفتک	οφτ κ	τ κ
برد	بردک	βορδ κ	δ κ
حکم	حکم	ηοκομ	κ ο μ
زخم	زخم	ζ ομ	-o-μ
چرب	چرب	τ roβ	r-o-β
اخم	اخم	ομ	-o-μ

ج: کلماتی مانند پست، پوست، کلفت و.. که دارای ساخت هجایی CVCC هستند و به همخوان τ ختم می‌شوند این همخوان انتهایی حذف می‌شود و به صورت πoσ تلفظ می‌شوند. در اینجا واکه افزایی وجود ندارد ولی با کوتاه سازی، تلفظ هجای CVCC میسر می‌شود. که در گونه‌ی گفتاری بسیار شایع است.

جدول ۵- ساخت هجای CVCC

هجای CVCC	واژه ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
-A-στ	β ρ Aστ	برغست	باد تند، سریع
λ-ε-φδ	λεφδ	الفج	نوچ، چسبناک
τ -ο- δ	τ ο δ	چخت	سقف
-ε-στ	βελ εστ	بلغست	نوعی گیاه شبیه شاهی که خودرو است و اول بهار می‌روید و در آش و کوکو استفاده می‌کنند.
λ-ε-φτ	λεφτ	غلفت	نوعی دیگ مسی
4 -ι-	ι	غینگ	باد معده
τ - -	ερτ	غرچنگ	غضروف
μ- -στ	εορμ στ	گرماست	نوعی ماست که با دوغ ترکیب می‌شود.
- -	λ τ	غلتننگ	قلدر و قوی هیکل
δ-A-νσ	AδAνσ	آدانس	آدامس
4-ο-νσ	βο ονσ	برنس	برنز
β-υ-μβ	βυμβ	بومب	پشت بام
β- - ζ	β ζ	بوغض	بغض
δ-ο-τ	δο	دنگ	دانگ
- -στ	τ ρ ωστ	ترغست	یک لحظه
-ι-τ	τ ι	چینگ	نوک پرنده - لبه - جلو

د: در افعالی مانند برد، گفت، سوخت، هست، بست و ... علاوه بر درج واکه شاهد افزایش همخوان<sup>۱</sup> K نیز می‌باشیم مانند: گفت که تبدیل به K σοφτ می‌شود. در واقع این ساخت هجا

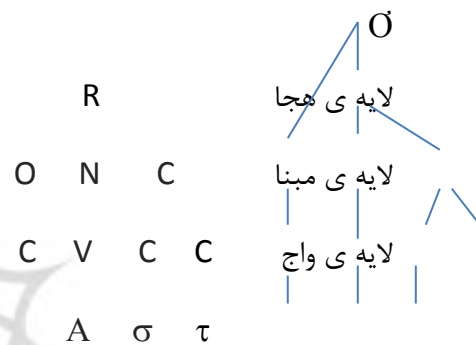
۱. فرایند افزایش همخوان را در واژه‌ی کیک نیز مشاهده می‌کنیم. این واژه با ساخت هجایی CVCC همخوان بعد از واکه‌ی خود یعنی [j] را از دست می‌دهد اما در انتها دچار فرایند افزایش همخوان شده و همخوان S را می‌پذیرد و تبدیل به واژه‌ی □□□□ می‌شود.



CVCC تبدیل به دو هجای کوچک تر CV + CVC می‌شود. نمونه‌ها از چهار ساخت مطرح شده، در جدول شماره (۴) آورده شد.

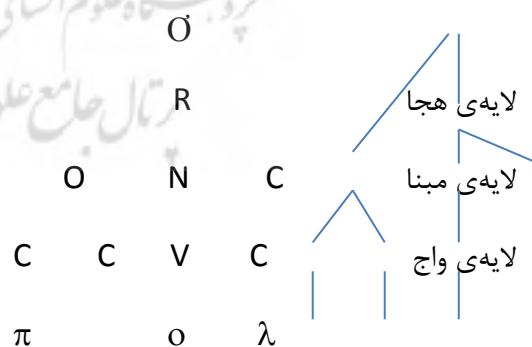
#### ۴-۱-۴- ساخت هجای CVCC:

در این ساختار هجا که به نسبت ساخت‌های قبلی کم کاربردتر است، درج دو واژه‌ی همخوانی در انتهای هجای CV است. یا به عبارتی یک واکه و سه همخوان در این ساخت مشاهده می‌شود.



#### ۴-۱-۵- ساخت هجای CCVC

در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و یک همخوان در انتها و یک واکه در میان آنها قرار می‌گیرد. یا به عبارتی یک همخوان در انتها و یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است.

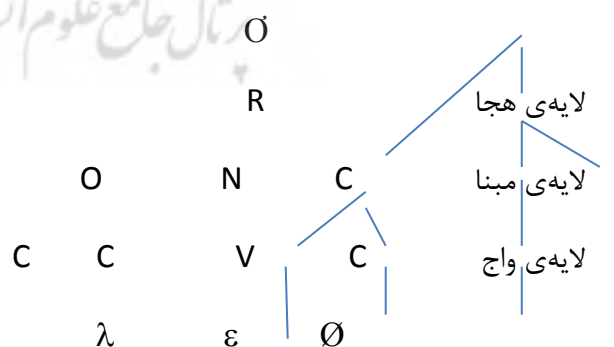


## جدول ۶- ساخت هجای CCVC

هجای CCVC	واژه ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
$\pi\lambda - \Xi$	$\pi\lambda \mu\upsilon\nu$	پلخمون	تیرکمان
$-\varepsilon - \pi\lambda$	$\pi\lambda\varepsilon$	پلنق	اندک، کم
$\tau - \iota - \pi\tau$	$\pi\tau\iota$	پتبخ	پریشان و آشفته
$\lambda - \omicron - \pi\nu$	$\pi\nu\omicron\lambda$	پنخل	پنگول
$-\iota - \pi\tau$	$\pi\tau \iota$	پچبخ	پهن
$\pi\tau \alpha\lambda$	$\pi\tau\alpha\lambda$	پتل	خراب، داغون
$\beta \lambda \alpha$	$\beta\lambda\alpha$	بلا	بلا
$\delta\lambda - -$	$\delta\lambda \upsilon\nu$	دلنگون	آویزان

## ۶-۱-۴ ساخت هجای CCV

در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و یک واکه در انتها قرار می‌گیرد. یا به عبارتی یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است.

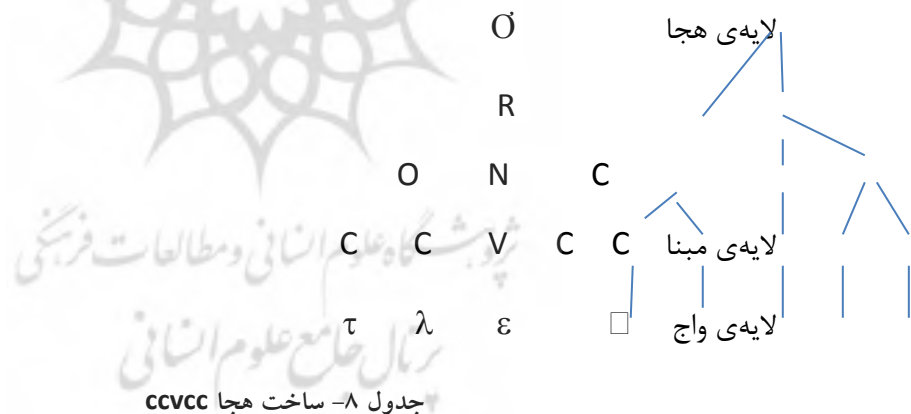


جدول ۷- ساخت هجای CCV

هجای CCV	واژه ی مشهدی	فارسی نوشته	معنای فارسی
$\tau\lambda-\varepsilon$	$\tau\lambda\varepsilon$	تله	تله
$\lambda \varepsilon$	$\lambda\varepsilon$	قله	قلعه، روستا
$\delta\lambda-\{\}$	$\delta\lambda\{\}$	دله	شکمو، حریص
$-\lambda-\{\}$	$\delta \varepsilon \zeta \lambda$	جزغله	دنبه‌ی سرخ شده

## ۷-۱-۴ ساخت هجای CCVCC:

در این ساخت دو همخوان در ابتدای هجا و دو همخوان در انتها و یک واکه در میان آنها قرار می‌گیرد. یا به عبارتی دو همخوان در انتها و یک همخوان در ابتدای هجای CV قرار گرفته است. این ساخت نیز بسیار کم کاربرد است اما در گویش مشهدی مشاهده شده است. با توجه به پیکره‌ی گردآوری شده از گویش مشهدی، خوشه‌های دو همخوانی آغازی در این گویش عبارتند از:



جدول ۸- ساخت هجا CCVCC

معادل فارسی	واژه ی مشهدی	خوشه ی دوهمخوانی آغازی و پایانی
پاچیدن آب	$\pi \iota$	$\pi -\iota-$
پلنگ	$\pi\lambda \square$	$\pi\lambda-\{-$
آلوده و کثیف	$\pi\lambda \tau$	$\pi\lambda- \Sigma\tau$
باد معده	$\tau\lambda\varepsilon$	$\tau\lambda-\varepsilon- \square$
قشنگ		- -
خل و دیوانه	$\mu$	$\mu - -$



با توجه به جدول فوق، توزیع دو همخوانی در خوشه‌ی آغازی و پس‌آغازی به صورت زیر است:

- ۱- همخوان /p/ قبل از همخوان‌های /s, l, ʒ, r t/ مشاهده شد.
- ۲- همخوان /b/ قبل از همخوان‌های /s, n/ مشاهده شد.
- ۳- همخوان /t/ قبل از همخوان‌های /p, r, l/ مشاهده شد.
- ۴- همخوان /d/ قبل از همخوان‌های /r, l/ مشاهده شد.
- ۵- همخوان /k/ قبل از همخوان‌های /l, t, / مشاهده شد.
- ۶- همخوان / / قبل از همخوان‌های /l, w/ مشاهده شد.
- ۷- همخوان /s/ قبل از همخوان‌های /m, l/ مشاهده شد.
- ۸- همخوان /z/ قبل از همخوان‌های /m/ مشاهده شد.
- ۹- همخوان / / قبل از همخوان‌های /p, w/ مشاهده شد.
- ۱۰- همخوان /h/ قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.
- ۱۱- همخوان / / قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.
- ۱۲- همخوان / / قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.
- ۱۳- همخوان /ʔ/ قبل از همخوان‌های /r, l/ مشاهده شد.
- ۱۴- همخوان /δ/ قبل از همخوان‌های /z/ مشاهده شد.
- ۱۵- همخوان /m/ قبل از همخوان‌های /n/ مشاهده شد.
- ۱۶- همخوان /n/ قبل از همخوان‌های /m, w/ مشاهده شد.
- ۱۷- همخوان /r/ قبل از همخوان‌های /n/ مشاهده شد.
- ۱۸- همخوان /l/ قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.
- ۱۹- همخوان /G/ قبل از همخوان‌های /l/ مشاهده شد.
- ۲۰- همخوان /j/ قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.
- ۲۱- همخوان /w/ قبل از هیچ همخوانی مشاهده نشد.

چنانچه مشاهده شد خوشه‌ی دو همخوانی آغازی در گویش مشهدی دارای شرایطی است که به تفصیل ارائه گردید. هیچ دو همخوان آغازی تکراری نیست یا به عبارت دیگر همخوان‌های یکسان در ساخت خوشه‌ی همخوانی آغازین دخیل نیستند. تعدادی دارای بسامد

وقوع بالایی هستند مانند /p,t,k/ و برخی دیگر بسامد وقوع کمتری دارند. ممکن است در دوره‌های پیشین این گویش دارای خوشه‌های دو همخوانی آغازین بیشتری بوده اما در حال حاضر این تعداد مورد بررسی قرار گرفت.

#### ۵- نتیجه گیری:

چنانچه اشاره شد اگر بخواهیم گونه‌ی مشهدی امروز که در بین مردم رایج است را در تقسیم بندی لهجه و گویش بر اساس تعاریف فوق قرار دهیم، می‌بایست اصطلاح لهجه را به کار ببریم زیرا با تفاوت واژگانی و آوایی اندکی مواجه می‌شویم که حتی کاربران سعی در پنهان کردن و تصحیح آن را دارند اما آن مشهدی که نگارنده سعی در حفظ و ثبت آن داشته است، حاکی از گویشی دارای نظام آوایی، ساخت واژی و نحوی خاص خود است که طبق تعاریف زبان‌شناسان می‌توان آن را گویش نامید و بخش‌هایی از تفاوت‌های نظام آوایی و ساخت واژی آن در پژوهش حاضر مشاهده شد. پژوهش حاضر در تایید نظر پژوهشگرانی مانند ظفر محجوب (۱۳۴۱) اکبری شالچی (۱۳۷۰) و حیدیان کامیار (۱۳۸۴) زارعی (۱۳۸۵) خزایی (۱۳۸۸) حسینی (۱۳۸۸) پهلوان نژاد (۱۳۸۹) فیروزیان (۱۳۸۹) نجاتیان (۱۳۹۰) و شهریاری راد (۱۳۹۴) لفظ گویش را برای این گونه‌ی زبانی استفاده نمود.

مهمترین نتیجه‌ی بحث حاضر وجود هجای کوتاه در گویش مشهدی است به این شکل که گویشوران هجاهای بلند و کشیده را با فرایند درج واژگانی تبدیل به هجای کوتاه می‌کنند تا در نظام آوایی این گویش قابل تلفظ باشد. به عنوان مثال: اسب/σεβ/، چشم/τσενομ/، تلخ/τλε/ گفته میشود که نمونه‌های مفصل آن در بحث ارایه شد. تفاوت دیگر وجود خوشه‌های دو همخوانی آغاز هجا است که در فارسی معیار مشاهده نمی‌شود که نشانگر قدمت این گویش و بازماندن ساختار هجایی پیشین زبان فارسی است.

در نهایت بر اساس داده‌های این پژوهش نتایج ذیل حاصل شد:

گویش مشهدی دارای ۲۱ همخوان و ۶ واکه‌ی ساده و ۴ واکه‌ی مرکب می‌باشد. در این گویش همخوان ژ مشاهده نشد.

در این گویش خوشه‌ی دو همخوانی در آغاز و انتهای هجا وجود دارد که در فارسی معیار وجود ندارد.

در ساخت‌های هجایی دوهمخوان آغازین همخوان‌های / s,p,b,t,d,k,ϕ,m,n,r,G,rv δ / به‌عنوان آغاز مشاهده شد که در این خصوصیت نیز متفاوت با فارسی معیار است.

مشاهده شد که در ساخت‌های هجایی دوهمخوان آغازین همخوان‌های / l,j,w,ʕ, h, / نمی‌توانند در آغاز هجا قرار گیرند.

در ساختار هجا مشاهده شد هجاهای این گویش با فرایند درج واکه شکسته می‌شود و هجاهای CVCC فارسی معیار را تبدیل به دو هجای CV+ CVC می‌کند.

در این گویش فرایند درج واکه‌های (o,e) در ساخت‌هایی دیده می‌شود که هجا دارای ساخت CVCC باشد و همخوان انتهایی خوشه‌ی دو همخوانی پایانی یکی از همخوان‌های (b,l,r,g,s,z,n) باشد، بین دو همخوان انتهایی واکه‌ی e درج می‌شود.

نوع دیگری از افزایش یا درج واکه افزوده شدن واکه‌ی o در هجاهایی با ساخت CVCC می‌باشد که همخوان انتهایی آن یکی از همخوان‌های (m,b) باشد. در کلماتی که دارای ساخت هجایی CVCC هستند و به همخوان T ختم می‌شوند این همخوان انتهایی حذف می‌شود. در افعالی مانند برد، گفت، سوخت نیز علاوه بر درج واکه شاهد افزایش همخوان K نیز می‌باشیم مانند: گفت که تبدیل به K oϕt می‌شود.

#### کتابنامه

- ۱- ادیب طوسی، م. (۱۳۴۱). لغات نوقانی (مشهدی). نشریه‌ی دانشکده ادبیات تبریز، ۱، ۳/۲، ۴۱-۱.
- ۲- اکبری شالچی، ا. (۱۳۷۰). فرهنگ گویش خراسان بزرگ. اول. تهران: نشر مرکز.
- ۳- بینش، ت. (۱۳۳۹). چند اصطلاح هواشناسی در لهجه‌ی مشهدی. نشریه فرهنگ خراسان، ۱، ۴/۲، ۳۳-۳۶.
- ۴- پهلوان نژاد، م. ر. (۱۳۸۸). بررسی و توصیف واژگانی در گویش مشهدی. چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی (۳۳) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۵- پهلوان نژاد، م. ر. (۱۳۸۹). بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی. خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویشهای مناطق کویری ایران. (۱۲۳) سمنان: دانشگاه سمنان.

- ۶- پیش قدم، ر. شریفی، ش. عطاران، آ. (۱۳۹۳) بررسی کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی: شباهت‌ها و تفاوت‌ها. *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، ۹/۶، ۱۱، ۷۷-۵۵.
- ۷- حبیب الهی، م. (۱۳۴۷). کیفیت و بررسی فعل در لهجه‌ی مشهدی. *دانشکده ادبیات مشهد*، ۷/۳، ۳، ۲۰۰-۲۴۴.
- ۸- حسینی، ز. (۱۳۸۸). بررسی صامتهای میانجی در گویش مشهدی. *چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی*. (۲۱۱) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۹- حسینی معصوم، س و حسینی، ت (۱۳۹۲). بررسی فرایندهای واجی در گفتار کاربران لهجه مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار. *مجله زبان‌شناسی و گویشهای خراسان*، ۵/ ۹، ۱۰، ۱۱۹-۱۴۱.
- ۱۰- حیدری پور، م. (۱۳۸۸). فرایند مرگ لهجه‌ی مشهدی: عوامل و روشهای جلوگیری از آن. *چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی*. (۲۱۳) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۱- خانلری، پ. (۱۳۷۳) *دستور تاریخی زبان فارسی*، چاپ سوم، تهران. انتشارات توس.
- ۱۲- خزایی، آ. (۱۳۸۸). بررسی و توصیف آوایی افعال در گویش مشهدی. *چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی*. (۴۱) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۳- داورپناه، ا. (۱۳۸۷). بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد. *نخستین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران*. (۱۸) زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۱۴- زارعی، م. (۱۳۸۵). *بررسی جامعه‌شناختی گوناگونی گویش مشهدی بر اساس متغیرهای سن، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۱۵- شهریاری راد، پ. (۱۳۹۵) *بررسی گویش مشهدی*، چاپ اول، مشهد: نشر کتابدار.
- ۱۶- شهریاری راد، پ. (۱۳۹۶) *ریشه‌شناسی ۶۵ واژه در گویش مشهدی*، چاپ اول، مشهد: نشر کتابدار.



- ۱۷- شهریاری راد، پ (۱۳۹۴) بررسی زبانشناختی گویش مشهدی، اثبات مشهدی به عنوان یک گویش، سومین همایش ملی زبانشناسی و آموزش زبان فارسی، چشم انداز پژوهش‌های زبان در قرن ۲۱. (۱۸-۳۷) مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۸- صادقی، ع. (۱۳۴۹). بررسی جامعه شناختی گوناگونی گویش مشهدی بر اساس متغیرهای سن، طبقه‌ی اجتماعی و جنسیت. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۱۹- زمردیان، ر. (۱۳۶۸). زبان‌شناسی عملی، جلد اول، مشهد: انتشارات آستان قدس.
- ۲۰- ظفر محجوب، ز. (۱۳۴۱). گویش مشهد. (پایان‌نامه‌ی کارشناسی). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۲۱- فیروزیان، آ. (۱۳۸۹). بررسی فرایندهای واجی در گویش مشهدی بر اساس واج‌شناسی خود واحد. خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، (۱۱۳) سمنان: دانشگاه سمنان.
- ۲۲- کرد زعفرانلو کامبوزیا، ع. (۱۳۹۰). واج‌شناسی رویکردهای قاعده بنیاد. چاپ اول، تهران: سمت.
- ۲۳- کلباسی، ا. (۱۳۸۸). فرهنگ توصیفی گونه‌های زبان ایرانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۴- میرخدیوی، ا. (۱۳۶۳). اشعار مشهدی: گزیده شیرین‌ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجه‌ی مشهدی از آداب و رسوم مردم خراسان. مشهد: انتشارات باستان.
- ۲۵- ناظران پور، م. (۱۳۸۶). برخی از آداب و رسوم مشهد قدیم به لهجه‌ی شیرین مشهدی. مشهد: سنبله.
- ۲۶- نجاتیان، ح. (۱۳۹۰). بررسی و توصیف گویش مشهدی. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۲۷- وحیدیان کامیار، ت. (۱۳۸۳). گویش مشهدی. دومین همایش زبان‌های ایرانی و زبان‌شناسی ایران، (۵۵۱-۵۶۷) مشهد: دانشگاه فردوسی.

- ۲۸- وحیدیان کامیار، ت. (۱۳۸۴). بررسی کوتاه ویژگی‌های فارسی مشهدی. *فرهنگ و هنر خراسان*، ۷/۱۳، ۳، ۱۰۱-۱۰۷.
- ۲۹- مشکوه الدینی، م. (۱۳۸۵). *ساخت آوایی زبان*. چاپ پنجم. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۳۰- مشکوه الدینی، م. (۱۳۸۷). رابطه‌ی لهجه‌ی رسمی و لهجه‌ی محلی زبان فارسی. *نامه‌ی فرهنگستان*، ۱/۱۰، ۲۴-۷۱.
- ۳۱- یارشاطر، ا. (۱۳۳۶). زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی. *مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران*، ۲/۵، ۳۱-۳۹.
- 32- Burquest, DA (2001). *Phonological Analysis: A functional approach*. 2 nd ed. Dallas: SIL International. Carr, P. (2008). *A Glossary of Phonology*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- 33- Clements, G. N, & S. J. Keyser (1983). CV phonology: a generative theory of syllable. *Linguistic Inquiry Monograph* No.9. Cambridge, Mass.: MIT Press Pp191.
- 34- Crystal, D. (2008). *A dictionary of linguistics and phonetics*. 6<sup>th</sup> ed. London: Blackwell Publishing.
- 35- Jenson, J. T. (2004). *Principles of Generative Phonology an introduction*, Benjamins Publishing Company. volume 250. Ottawa : University of Ottawa Press.
- 36- Hayes, B. (2009). *Introductory phonology*. London: Blackwell.
- 37- Laver, J. (1995). *Principles of phonetics Cambridge Textbooks in Linguistics*, Cambridge: Cambridge University Press, 1994. Pp.xxviii+502 appendices.
- 38- Trubetsky, N. S. (1958). *Grundzüge der Phonologie* (Travaux du Cercle Linguistique de Prague, 7.) Prague. Translated as *Principles of Phonology* (by CAM Baltaxe). Berkeley: University of California Press, 1969.

## **Investigation of syllable construction in Mashhadi dialect based on cv- phonology theory**

**Saeede Shoja-Razavi**

**Assistant Professor, Research Institute of Iran Cultural Heritage, Handcrafts and Tourism organization (ICHTO). Tehran, Iran.**

**Received:20/08/2020 Accepted: 24/04/2021**

The study of syllable construction is of great importance in the phonological recognition of a dialect. The present study has investigated the syllabic structure of the Mashhadi dialect in the form of a field design and based on the cv- phonology theory, it deals with the phonological arrangement of the consonants as well as the effect of the core vowel of the syllable on the selection of consonant clusters. The data of this study are the result of interviews with ten speakers native of Mashhad, including men and women between the ages of 60 and 80 and low literacy. In addition, researcher is a native of Mashhad. The research findings indicate that the syllabic element in the Mashhadi dialect is the core before that, a maximum of two consonants and after that, a maximum of two consonants can be placed. During this study, it was observed that the tendency of Mashhadi dialect is more on short syllables in most cases, in comparison with Persian we see the criterion of Epenthesis process. Words like: bozorg/βoζop≡□/, torΣ/toroΣ/,satl/σ τελ/ indicates this process. The phonological process in this dialect is divided into four categories, which were discussed in detail in this study.

**Keywords:** Mashhadi dialect, Syllable construction, Cv- phonology theory, Epenthesis